

## نوش داروي بهره‌وري

درمان بيماري اقتصاد ايران نيازمنند داروهاي متعدد و متفاوت است. در اين ميان، اگر يك دارو باشد كه اين بيمار روبه موت را حيات تازه مي‌بخشد، داروي بهره‌وري است. طبيعتاً مسائيل كلان اقتصاد ايران فراوانند، ولي بيماري اقتصاد كشور را مي‌توان با ترميم سلول‌هاي آن، جان تازه‌اي بخشيد.

### دانش و سرمايه

حسابداري رشد در كشورهاي جهان نشان مي‌دهد كه دو عامل آموزش نيروي انساني و تزريق سرمايه، بيشترين تأثير را در ارتقاي بهره‌وري (ورشد) داشته‌اند. اما آيا نظام آموزشي كشورمان (ازمهدكودك گرفته تا دانشگاه)، مي‌تواند متضمن آرمان اول شدن كشورمان در منطقه (مندرج در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله كشور) باشد؟ به نظر مي‌رسد پاسخ قوياً منفي باشد. در تأمين سرمايه و تخصيص بهينه آن هم به شدت مشكل داريم. لذا فعلاً انتظار زيادي از اقتصاد بيمار ايران نمي‌توان داشت. در بُعد كلان، چالش‌ها و موانع فراواني در راستاي ارتقاي بهره‌وري ديده مي‌شود. تورم ايجاد شده از بي‌انضباطي دولت (كسري بودجه دولت و شركت‌هاي دولتي) و كنترل قيمت‌ها، براي فعاليت واحدهاي اقتصادي بسيار مضر است، زيرا حساب سود و زيان واحدها را مخدوش کرده و بنگاه‌ها را ضعيف مي‌كند. طرفداران قانون كار ايران سال‌هاست با استناد به اين بحث كه مگر هزينه كارگر چه سهمي در توليد دارد؟ هرگونه اصلاح در اين قانون را رد مي‌كنند. خوب است، اين گروه - كه عمدتاً از سياستمداران هستند تا استادان و كارشناسان - از ديده‌گاه بهره‌وري نيم نگاهي به موضوع بيندازند. مختصات نظام اقتصادي، خود مي‌تواند بازدارنده يا مشوق بهره‌وري باشد. مثال مناسب، بررسي تاريخي شوروي سابق است. در واقع، اين نظام به شدت دولتي و ناپره‌ور شوروي بود كه آن را از هم پاشيد. در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله (خوشبختانه) بار رشد و رفاه تا حد زيادي بر دوش بهره‌وري نهاده شده است. از اين رو، اين سند را بايد پاس داشت. اما متأسفانه دولت محترم هنوز دست به كار نشده است. براي مثال، آيا مشخص شده كه بهره‌وري را در ۲۰ سال آينده چگونه بايد تشويق كرد و ارتقاء داد؟ در اين زمينه بايد يك سند الحاقی با استفاده از مطالعات و تحقيقات مشترك گروهی اقتصاددان، مالي‌چي، بانكدار و صنعتگر (تشكل‌ها) با توجه به تجارب بومي و بين‌المللي تهيه نمود. اين سند يکي از اسناد حائز اهميت كشور خواهد بود. بدون بهره‌وري، كشورمان از اقتدار خرد و كلان بي‌بهره مانده و بيماري اقتصاد،



از سوي ديگر، چگونه مي‌توان از مزيت‌هاي نسبي يك كشور صحبت كرد، اما بهره‌وري را فراموش نمود؟ بدون بهره‌وري، مزيت‌هاي ايران يك به يك هلاک مي‌شوند. نگاه كنيد به صنعت فرش، صنعت نساجي و....

### تشويق بهره‌وري

در ديده‌گاه خرد و براي ارتقاي بهره‌وري و اقتدار اقتصادي، راهکارهاي درمان اقتصاد بيمارمان بسيار است. چند نمونه ذيل قابل ذکرند: عدالت در بازار كار را مي‌توان از ديده‌گاه پاداش‌هاي بهره‌وري و شايسته‌سالاري تعريف كرد. در حال حاضر از غيبت اين دو فاکتور به شدت رنج مي‌بريم، زيرا هم‌اکنون دستمزدها با بهره‌وري هيچ ارتباطي نداشته و شايسته‌سالاري نيز در بسياري از سطوح فراموش شده است. به سهم نمودن کارگران و مديران در سود شرکت‌ها هم تاکنون فکر نکرده‌ايم.

استفاده بهينه از زمان در بهره‌وري حرف اول را مي‌زند. ولي در كشورمان قدر گوهر زمان - اين منبع الهي - را ابدأ درك نمي‌كنيم. انگيزه نيروي كار بسيار پايين است. كار گروهی را فراموش کرده‌ايم.

روابط كارگرو كارفرما - مدير و كارگر - در سطح بنگاه‌ها، بسيار ضعيف و ناسالم است.

كار خوب و با كيفيت خواستن در كشورمان كم شده است. در چند دهه گذشته مدل‌هاي مختلفي خصوصاً مدل كارآمدي بنياد كيفيت مديريت اروپايي (EFQM)، مدل دمینگ (Deming) و مدل مالکوم بالدريج (malcolm Baldrige) (در جهان ايجاد شده‌اند. جاي اميدواري است كه مدل تعالي سازمانی EFQM در كشورمان در حال پياده

درمان بيماري اقتصاد ايران نيازمنند داروهاي متعدد و متفاوت است. در اين ميان، اگر يك دارو باشد كه اين بيمار روبه موت را حيات تازه مي‌بخشد، داروي بهره‌وري است. طبيعتاً مسائيل كلان اقتصاد ايران فراوانند، ولي بيماري اقتصاد كشور را مي‌توان با ترميم سلول‌هاي آن، جان تازه‌اي بخشيد. در واقع، لازم است به مسائيل خرد اقتصاد كشور - در سطح بنگاه‌ها و شركت‌ها - توجه بيشترتي مبذول داشت، زيرا بهره‌وري اقتصاد ايران ناچيز است و يکي از ريشه‌هاي بيماري اقتصاد ايران، همين ويروس بي‌بهره‌وري است. بهره‌وري (كل عوامل) در طول برنامه سوم فقط تأمين‌كننده ۵ درصد از كل رشد اقتصادي بوده است. بدتر آنكه، نقش بهره‌وري در رشد اقتصادي در طول برنامه دوم صفر بوده است (يعني رشد اقتصادي در طول اين دوره صرفاً از طريق تزريق منابع بيشتر به اقتصاد حاصل شده است). هدف برنامه چهارم، تأمين ۳۲ درصد رشد اقتصادي با تكيه بر بهره‌وري است. ولي با روند حاضر، دستيابي به اين هدف غيرممکن به نظر مي‌رسد. بين سال‌هاي ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، كشورمان با ۰/۶ درصد رشد منفي سالانه در بهره‌وري كل عوامل توليد روبه‌رو بوده است، در حالي كه بهره‌وري در كشور هند سالانه بيش از ۲ درصد رشد مثبت داشته است (رجوع كنيد به صفحه ۱۳ همين شماره).

### شيري ني بهره‌وري

بهره‌وري به معني کاهش داده‌ها و افزايش ستانده‌هاست. به زبان ساده مالي، بهره‌وري موجب کاهش هزينه‌ها و افزايش بازدهي مي‌گردد. افزايش بازدهي و سودآوري، باعث تشويق آن واحد شده و در يك نظام رقابتي، قيمت تمام شده را پايين آورده و قيمت را براي مصرف‌كننده کاهش مي‌دهد. به عبارت ديگر، بهره‌وري نوعي صرفه‌جويي است. کاهش قيمت مصرف‌كننده نيز قدرت انتخاب را افزايش داده و محدوديت‌هاي بودجه‌اي خانوار را کاهش مي‌دهد و در نهايت، رفاه خانوار و در نتيجه رفاه جامعه را ارتقاء مي‌بخشد. از سوي ديگر، افزايش بهره‌وري سرمايه‌گذاري‌ها را موجه‌تر نموده، تقاضا براي نيروي كار را افزايش داده و موجب اشتغال‌زايندگي مي‌گردد. سودآوري ناشي از افزايش بهره‌وري علاوه بر ايجاد

بیشتر و بیشتر و رفاه عمومی، کمتر  
و کمتر خواهد شد. لذا در بهره‌وری -  
و در اول شدن - کار زیاد داریم.

شدن است. جایزه ملی بهره‌وری در  
سطح پنگاه‌ها نیز پایه‌گذاری شده  
است. ولی برای رسیدن به جامعه  
بزرگی از شرکت‌های خلاق، نوآور و  
بهره‌ور، هنوز راه درازی در پیش  
است.

اشتغال، مزایای عمده دیگری هم به  
همراه دارد که تا به حال به آن توجه  
کافی نشده است. به عنوان نمونه،  
تاکنون از خودمان سؤال نکرده‌ایم که  
نوآوری، خلاقیت و تکنولوژی چگونه  
تولید می‌شود و هزینه آن از کجا باید  
تأمین گردد؟ بدیهی است، در وهله  
اول، تأمین مالی نوآوری‌ها از طریق  
تحقیق و توسعه در سطح پنگاه‌ها  
انجام می‌شود. اما واحدهای ما  
آنقدر ضعیفند که تحقیق و نوآوری را  
به کلی فراموش کرده‌اند.